Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol. 8/ No. 5/ 2021
Page: 13-26

The identity of Iranian male adolescents in the context of master narrative of their lives: A qualitative study

Yousef Jalali[1], Hossein Eskandari[2], Ahmad Borjali[2], Faramarz Sohrabi[2], Mohammad Asgari[3]

1-PhD Candidate in Psychology, Department of Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author). E-mail: Yousefjalali1@gmail.com
2- Professor, Department of Psychology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
3- Associate Professor, Department of Assessment & Measurement, Allameh Tabataba'I University, Tehran, Iran.

Received: 23/07/2021 **Accepted:** 03/11/2021

Abstract

Introduction: There is not in-depth knowledge about the master narrative of identity and its quiddity in current generation of Iranian adolescents.

Aim: The aim of this study was to identify and validate the master narrative model of identity of Iranian adolescents.

Method: This study was a basic research with a mixed approach. In the qualitative phase, the population consisted of male adolescents aged 15-20 years old, as well as psychologists and sociologists in Tehran in 2020. Nineteen adolescents were selected by convenience sampling and six specialists by purposive sampling. In the quantitative phase, the population consisted of adolescents aged 15-20 years old in Tehran in 2020, from which 218 people were selected by convenience sampling. In the qualitative phase, data were collected through the life story interview (McAdams, 1995) and in the quantitative phase by a researcher-made questionnaire. In the qualitative phase, data were analyzed through the content analysis method and in the quantitative phase through the confirmatory factor analysis.

Results: The results of content analysis in addition to factor analysis indicated the master narrative model of adolescents includes components such as family belonging, adherence to religious values and obedience to parents. Results of second-order factor analysis also indicated the obedience to parents (Z=1.32) has the most contribution in the model.

Conclusion: Despite the development of modern values in Iranian society, traditional values still play a significant role in the master narrative of identity of Iranian male adolescents.

Keywords: Narrative research, Master narrative, Adolescent, Narrative identity

How to cite this article: Jalali Y, Eskandari H, Borjali A, Sohrabi F, Asgari M. The identity of Iranian male adolescents in the context of master narrative of their lives: A qualitative study. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2021; 8 (5): 13-26 .URL: http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1239-fa.pdf

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت
سال هشتم، شماره ۵، ۱۴۰۰
صفحات: ۲۶-۱۳

هویت نوجوانان پسر ایرانی در بستر کلان روایت زندگی آن‌ها: یک مطالعه کیفی

یوسف جلالی[۱]، حسین اسکندری[۲]، احمد برجعلی[۲]، فرامرز سهرابی[۲]، محمد عسگری[۳]

۱.کاندیدای دکترای تخصصی، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (مولف مسئول). ایمیل: Yousefjalali1@gmail.com
۲. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۳. دانشیار، گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

چکیده

مقدمه: در خصوص کلان روایت هویت نسل فعلی نوجوانان ایرانی و ماهیت آن دانش ژرفی وجود ندارد.

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اعتباریابی الگوی کلان روایت هویت نوجوانان ایرانی انجام شد.

روش: پژوهش حاضر یک پژوهش بنیادی با رویکرد آمیخته بود. در بخش کیفی، جامعه آماری پژوهش نوجوانان پسر ۱۵ تا ۲۰ ساله بعلاوه روانشناسان و جامعه‌شناسان شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود. ۱۹ نفر از نوجوانان با نمونه‌گیری در دسترس و ۶ نفر از متخصصان با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی، جامعه آماری پژوهش نوجوانان پسر ۱۵ تا ۲۰ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود که از بین آن‌ها ۲۱۸ نفر با نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی از طریق مصاحبه داستان زندگی مک آدامز (۱۹۹۵) و در بخش کمی به وسیله پرسشنامه محقق ساخته صورت پذیرفت. جهت تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا و در بخش کمی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل محتوا بعلاوه تحلیل عاملی مرتبه اول نشان داد که مدل کلان روایت نوجوانان شامل مؤلفه‌هایی چون تعلق به خانواده، پایبندی به ارزش‌های دینی و اطاعت از والدین است. نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم نیز نشان داد که اطاعت از والدین (Z=۱/۳۲) بیشترین سهم را در مدل دارد.

نتیجه‌گیری: علیرغم رشد ارزش‌های مدرن در جامعه ایران، ارزش‌های سنتی کماکان نقش پررنگی در ساختار کلان روایت هویت نوجوانان پسر ایرانی ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: روایت پژوهی، کلان روایت، نوجوان، هویت روایتی

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]

[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

مقدمه

به اعتقاد اریکسون[1] یافتن هویت[2]، تکلیف اصلی دوره نوجوانی است و منظور از آن، یک سازه روانی-اجتماعی[3] است که از برداشت فرد از خود، از ارزش‌هایی که از جانب دیگران دریافت می‌کند و از همانندسازی با دیگران تشکیل می‌شود (اریکسون، ۱۹۸۰). از نظر وی، برای نوجوانان یک احساس یکپارچه و پایدار از هویت اغلب با اعتماد به نفس بالا و اهداف روشن در زندگی همراه است و از سوی دیگر یک احساس ناپایدار از هویت با احساس اضطراب، آشفتگی، سردرگمی و رفتارهای بزهکارانه همراه است (لویکس، شوارتز، گوسنس، بیرز و میسوتن[4]، ۲۰۱۹). در همین راستا، شواهد بسیاری حاکی از تغییرات رفتاری اساسی در نوجوانان ایرانی بعلاوه میزان قابل توجه آسیب‌های روانی و اجتماعی در آن‌ها است. مثلاً، نتایج پژوهش مرزبان (۱۳۹۷) حاکی از شیوع بالای رفتارهای پرخطر ازجمله درگیری فیزیکی در داخل و خارج از مدرسه، حمل سلاح سرد به مدرسه، مصرف سیگار در مدرسه، مصرف قلیان، مشروبات الکلی و مواد مخدر در نوجوانان شهر قم است. نتایج پژوهش صفی‌الحسینی، ساکی، حامدی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دهنده شیوع نسبتاً بالای افسردگی در نوجوانان دختر شهر بجنورد است. یافته‌های پژوهش حیدری زاده، فرج اللهی و اسماعیلی (۱۳۹۶) حاکی از شیوع ۱۸/۸ درصدی اختلال اضطراب اجتماعی در نوجوانان شهر کرمانشاه است. عطادخت، حمیدی‌فر و محمدی (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی بر روی نوجوانان شهر خلخال، میزان استفاده آسیب‌زا از تلفن همراه را در آنان بیش از ۸۷ درصد برآورد کردند.

با توجه به اهمیت بالای مسئله هویت در دوره نوجوانی، به احتمال زیاد بتوان تغییرات اساسی در رفتار نوجوانان ایرانی و شیوع چشمگیر آسیب‌های روانی و اجتماعی در آنان را به مسائل هویتی نسبت داد. با این حال، در خصوص هویت نسل فعلی نوجوانان ایرانی و ماهیت آن دانش چندان عمیقی وجود ندارد و دستیابی به درک و بینش در این زمینه نیازمند تحقیقات ژرف و همه جانبه است. به اعتقاد برخی پژوهشگران، روایت پژوهی[5] بهترین روش موجود برای پاسخگویی به سؤالات مربوط به فرایند رشد هویت است (مک لین و پاسیوپاتی[6]، ۲۰۱۹). روانشناسان روایتی[7] به تبعیت از نظریه مک آدامز[8] که خود اقتباسی از نظریه هویت اریکسون است، بر این باورند که هویت مترادف است با داستان زندگی روبه رشد خودساخته افراد؛ و اینکه هویت خود را در داستان-های زندگی و در قالب پیکربندی طرح، شخصیت، تنظیمات، صحنه و درون‌مایه آشکار می‌سازد؛ به عبارتی، قالب‌بندی[9] داستان‌هایی که افراد می‌گویند، حقایق مهمی در مورد هویت شخصی آنان آشکار می‌سازد (سید[10]، ۲۰۱۵). کوهلر[11] (۱۹۸۲) نیز معتقد است که روایت شخصی زندگی فرد، وسیله‌ای است که از طریق آن یکپارچگی هویت وی در طول زمان حفظ می‌شود (کوهلر، ۱۹۸۲). بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که هویت ماهیتی روایتی دارد.

[1]- Erikson
[2]- Identification
[3]- Psychosocial
[4]- Luyckx K, Schwartz SJ, Goossens L, Beyers W & Missotten L
[5]- Narrative research
[6]- Mc Lean KC & Pasupathi M
[7]- Narrative psychologist
[8]- Mc Adams DP
[9]- Format
[10]- Syed M
[11]- Cohler BJ

مک آدامز و مک لین[1] (۲۰۱۳) هویت روایتی[2] را داستان داستان زندگی درونی شده و در حال رشد فرد می‌دانند که گذشته بازسازی شده و آینده متصور فرد را ادغام و یکپارچه نموده تا به زندگی مقداری وحدت و هدفمندی ببخشد (سید، ۲۰۱۵). از طریق هویت روایتی، افراد به خودشان و دیگران می‌فهمانند که در حال حاضر چه کسی هستند، چگونه به اینجا رسیده‌اند و زندگی‌شان در آینده رهسپار کجا خواهد بود (مک آدامز و مک لین، ۲۰۱۳).

قابلیت ساخت روایت‌ها برای چارچوب‌بندی داستان زندگی و شکل‌دهی هویت ابتدا در دوره نوجوانی ظهور پیدا می‌کند؛ به عبارتی، این قابلیت در طول تقلاهای نوجوان برای تشکیل هویت آغاز می‌شود (هابرماس و بلاک[3]، ۲۰۰۰). علاوه بر این، هرچند داستان زندگی پدیده‌ای فردی می‌نماید؛ اما چنین به نظر می‌رسد که فرهنگ‌های مختلف فهرست‌های متفاوتی از تصاویر، طرح‌ها، درون‌مایه‌ها و موضوعات برای ساخت هویت روایتی عرضه می‌دارند و افراد هر یک از این فرهنگ‌ها این شکل‌های روایتی را برای داستان‌گویی‌های خود برمی‌گزینند، حفظ می‌کنند و تغییر می‌دهند. روایتگران حتی از دوران کودکی از میان این فهرست، شکل‌های داستانی را که به خوبی تجربه شخصی آنان را در برمی‌گیرد، گزینش می‌کنند (مک آدامز و مک لین، ۲۰۱۳). پژوهشگران این فهرست را کلان روایت[4] می‌نامند (همک و کوهلر[5]، ۲۰۱۱؛ مک لین و سید، ۲۰۱۶). کلان روایت‌ها به عنوان «نقشه‌های اصلی[6]، راهنماهای کلی[7]، گفتمان‌های غالب[8]، خطوط داستانی[9] یا متون فرهنگی[10]» فرهنگی[10]» توصیف می‌شوند (بامبرگ[11]، ۲۰۲۰). در واقع، کلان روایت‌ها داستان‌های مشترک فرهنگی هستند که در باب فرهنگشان توضیح می‌دهند. آن‌ها بخشی از ساختار جامعه‌اند که افراد را در مسیر خوب بودن و خوب زندگی کردن در جامعه هدایت می‌کنند. بر این اساس، می‌توان گفت روایت افراد از خود، در یک بافت فرهنگی شکل می‌گیرد؛ یعنی آنچه افراد در دوره‌های مختلف زندگی به خاطر می‌آورند یا تعریفی که از خویشتن ارائه می‌دهند، تحت تأثیر ارزش‌ها و انتظارات فرهنگ فرد از آن دوره زندگی است. مثلاً، به نظر می‌رسد روایت‌های شخصی افراد در فرهنگ‌های جمع‌گرا با فرهنگ‌های فردگرا متفاوت است. در فرهنگ‌های فردگرا، عملکرد روایت‌ها بیشتر بر فردیت، یگانگی، استقلال و ابراز خود متمرکز است و در فرهنگ‌های جمع‌گرا، بیشتر بیانگر همرنگی، اطاعت، تعلقات گروهی و پاسداشت ارزش‌های جمعی است (مک لین، شوکارد و سید، ۲۰۱۶).

با توجه به مفهوم کلان روایت، به احتمال زیاد بتوان زیربنای مسائل هویتی دخیل در تغییرات رفتاری نوجوانان ایرانی را به تحولات فرهنگی-اجتماعی چشمگیر جامعه ایران منسوب کرد. تحولاتی که موجب پدیدآیی ارزش‌هایی نوظهور یا روایت‌هایی جایگزین برای کلان روایت‌ها شده‌اند. در همین راستا شواهد بسیاری نشان می‌دهد که نوسازی فرهنگی و آموزشی در جامعه ایرانی صورت گرفته است. میزان افراد باسواد در مقایسه با گذشته بیشتر شده است. مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی

[1]- Mc Lean KC
[2]- Narrative identity
[3]- Habermas T & Bluck S
[4]- Master-narrative
[5]- Hammack PL & Cohler BJ
[6]- Plotlines
[7]- Master-plots
[8]- Dominant discourses
[9]- Story lines
[10]- Cultural texts
[11]- Bamberg M

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

جدید دایر شده و افراد بسیاری در آن مؤسسات مشغول به کار شده‌اند؛ به عبارتی، جامعه ایرانی در جریان تجربه نمودن تغییرات متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد و دچار نوعی دوگانگی ساختاری -بین ساختار سنتی و مدرن- شده است. این دوگانگی در سطوح اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سازمانی نمودار شده است (آزاد ارمکی و اکبری، ۱۳۹۱). در واقع، شواهد روزافزون حاکی از گذار جامعه ایران از حالت سنتی به حالت مدرن و از کاراکتر جمع‌گرا به کاراکتر فردگرا است. مثلاً، یافته‌های پژوهش آزاد ارمکی و اکبری (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که ترجیحات و گرایش‌های مدرن در بین جوانان ایرانی به طرز چشمگیری در حال شکل-گیری و تثبیت است. طبعاً این گذار توأم با تغییر بسیاری از اصول، ارزش‌ها و هنجارها است؛ به عبارتی، این تغییرات بنیادین شرایطی را به وجود می‌آورد که عادات، سنت‌ها، هنجارها و به طور کلی قواعد عمومی زندگی اجتماعی که از قدیم در جامعه وجود داشته است، به چالش کشیده شود و موجب آن می‌شود که افراد، خودخواسته و اندیشمندانه به بازاندیشی و بازسازی قواعد و اصول زندگی خود در شرایط جدیدی که با دوران گذشته تفاوت‌هایی چشمگیر دارد، بپردازند (آزاد ارمکی و اکبری، ۱۳۹۱). گزاره اخیر را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، توأم با تغییر ارزش‌ها و اصول یا به عبارتی، تغییر کلان روایت‌های جامعه و به چالش کشیده شدن آن‌ها توسط روایت‌های جدید است.

ایران از دیرباز به عنوان یک جامعه سنتی و جمع‌گرا تعریف شده است؛ بنابراین، می‌توان بسیاری از ارزش‌ها و گفتمان‌های غالب یا به عبارتی کلان روایت‌های موجود در آن را با اندکی تأمل درک نمود. مثلاً در خصوص نوجوانان می‌توان حدس زد که کلان روایت آن‌ها عمدتاً مبتنی بر ارزش‌هایی چون احترام به والدین و بزرگترها، وابستگی به خانواده، جمع‌گرایی، همرنگی با دیگران، اطاعت از والدین، پایبندی به اعتقادات دینی، احترام به اولیای الهی و ... باشد. با این حال، در دوران فعلی که جامعه ایران به واسطه گسترش سریع فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، دچار تحولات فرهنگی قابل توجهی شده، دانش مستند و معتبری درباره کلان روایت‌ها و گفتمان‌های غالب برای نوجوانان وجود ندارد. حال آنکه با توجه به اهمیت کلان روایت در ساختار هویتی و وضعیت رفتاری نوجوانان، واکاوی آن در نوجوانان ایرانی ضرورتی اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد. چرا که این امر به بهبود درک و شناخت نسبت به رفتارهای نوجوانان، تعامل مؤثرتر با آنان و طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب برای آنان کمک شایانی خواهد نمود. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال بود که الگوی کلان روایت هویت نوجوانان پسر ایرانی چگونه است.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف بنیادی و ازلحاظ رویکرد آمیخته است که ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی است. در مرحله کیفی از روش روایت پژوهی بهره می‌برد که رویکردی استقرایی و اکتشافی است و در مرحله کمی نیز از روش همبستگی چندمتغیری از نوع تحلیل عاملی تأییدی استفاده می‌کند. در بخش کیفی، جامعه آماری شامل نوجوانان پسر ۱۵ تا ۲۰ ساله بعلاوه متخصصان شهر تهران در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۹ بود که نوجوانان با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و نمونه-

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

گیری از آنان تا زمان رسیدن به اشباع نظری (۱۹ نفر) ادامه یافت. نمونه‌گیری نیز از طریق انتشار فراخوان در شبکه‌های اجتماعی چون اینستاگرام، تلگرام، شاد، لینکدین، واتساپ و غیره صورت گرفت. از میان متخصصان نیز ۶ نفر با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. منظور از متخصصان افراد دارای حداقل مدرک دکترا در یکی از گرایش‌های روانشناسی بعلاوه جامعه شناسان دارای حداقل مدرک دکترا در دانشگاه-های شهر تهران بودند. در بخش کمی نیز جامعه آماری را پسران ۱۵ تا ۲۰ ساله شهر تهران در بهار سال ۱۴۰۰ تشکیل می‌دادند که از بین آن‌ها ۲۱۸ نفر با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بود از: جنسیت پسر، قرار داشتن در دامنه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال، سکونت دائم در تهران، رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش. معیارهای خروج از پژوهش نیز شامل وجود اختلال روانی یا جسمانی در فرد و پاسخگویی کوتاه و ناقص به سؤالات مصاحبه بود.

هدفی که به طور کلی برای نوجوانان بازگو شد، «بررسی ویژگی‌های هویتی نوجوانان ایرانی و به زبان ساده کسب شناخت درباره دنیای آن‌ها» بود. جهت تأمین محرمانگی در پژوهش نیز از آنان خواسته شد که از ذکر نام و نام خانوادگی خویش بپرهیزند و صرفاً به ذکر سن خود اکتفا کنند. ضمناً به آنان اطمینان داده شد که نظرات و گفته-های آن‌ها هیچگونه تأثیر منفی بر وضعیت تحصیلی یا شغلی آن‌ها نخواهد گذاشت. در مرحله کیفی، ابزار پژوهش مصاحبه بود. مصاحبه با هر شرکت کننده نیز طی یک الی دو جلسه صورت گرفت و زمان مصاحبه با هر فرد بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه طول کشید. در مرحله کمی پژوهش نیز براساس نتایج مصاحبه و الگوی مستخرج از آن بعلاوه نظرات گروه کانونی (۳ روان‌شناس و ۳ جامعه شناس) پرسشنامه‌ای ساخته شد که با اجرای آن بر روی نمونه‌ای شامل ۲۱۸ نفر به اعتبارسنجی الگوی مزبور پرداخته شد. در پژوهش حاضر به دلیل به‌کارگیری طرح آمیخته، از روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی و کمی بر حسب نیازهای پژوهشی استفاده شد. در بخش کیفی از طریق تحلیل محتوای روایت‌های زندگی شرکت‌کنندگان با استفاده از بازگویی داستان‌ها و ایجاد مضامین، الگو و محتوای کلان روایت آن‌ها استخراج گردید. در بخش کمی نیز به بررسی برازش الگوی مستخرج از طریق روش تحلیل عاملی تأییدی پرداخته شد. لازم به ذکر است که تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نسخه ۸/۸۰ نرم افزار لیزرل[1] صورت گرفت.

ابزار

مصاحبه داستان زندگی[2]: مک آدامز (۱۹۹۵) به منظور دستیابی به تفاوت افراد و درک آن‌ها از زندگی‌شان مصاحبه‌ای تدوین نمود. در این مصاحبه از افراد خواسته می‌شود که نقش داستان گویی را بازی کنند که داستان رندگی خودش را می‌گوید. مصاحبه به چند بخش تقسیم می شود. بخش های مقدماتی به جستجوی فصل‌های کلی زندگی افراد می پردازد و به تدریج در بخش‌های بعدی به جزئیات پرداخته می‌شود. بخش‌های مختلف مصاحبه عبارت‌اند از: فصل‌های زندگی، اتفاقات مهم، مهم‌ترین چالش زندگی، عوامل مؤثر بر داستان زندگی (مثبت و منفی)، داستان‌های مهم، آینده پیشنهادی فرد برای داستان زندگی، طرز فکر شخصی، موضوع زندگی و موارد باقیمانده.

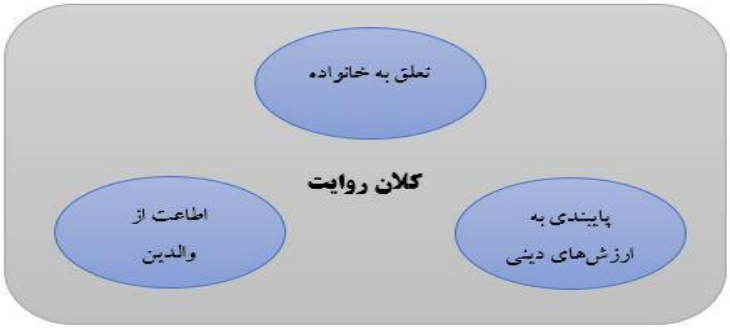
[1]- LISREL
[2]- Life story interview

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

پرسشنامه محقق‌ساخته: در پژوهش حاضر براساس مؤلفه-های مستخرج از متن مصاحبه‌ها و تعاریف نظری آن‌ها پرسشنامه‌ای طراحی گردید تا بدین وسیله اعتبار بیرونی الگوی مستخرج از مصاحبه‌ها سنجیده شود. این پرسشنامه در وهله نخست حاوی ۵۳ گویه بود و پس از ارسال به متخصصان ذیربط (۵ روانشناس) و دریافت نظرات آن‌ها جهت تعیین روایی محتوا، تعداد آن به ۳۲ گویه کاسته شد. پس از جمع‌آوری داده ها، از مجموع ۳۲ گویه باقیمانده نیز ۱۳ گویه از طریق بررسی ضرایب آلفای کرونباخ و بارهای عاملی آن‌ها حذف گردید. به گونه دقیق‌تر، گویه هایی که حذفشان باعث افزایش آلفای سازه مربوط به آن‌ها می‌شد بعلاوه گویه‌هایی که بار عاملی آن‌ها زیر ۰/۳۰ بود، از تحلیل نهایی کنار گذاشته شد. پرسشنامه نهایی ۱۹ گویه داشت و ضریب همسانی درونی آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

یافته‌ها

نمونه اولیه پژوهش حاضر شامل پسران مقیم شهر تهران بود. ضمن آنکه تمامی افراد نمونه دانش‌آموز و دانشجو بودند. در مجموع با ۳۰ پسر در دامنه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال مصاحبه شد که از این تعداد نهایتاً داده‌های ۱۹ نفر از آنان با میانگین سنی ۱۷/۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. چرا که پاسخ‌های ۷ نفر از شرکت‌کنندگان به شدت کوتاه و ناقص بود و روایت مشخصی در بر نداشت. نتایج مصاحبه با ۴ نفر از آن‌ها یعنی نفرات ۹، ۲۱، ۲۲ و ۲۳ نیز تکراری بود و داده‌های جدیدی به دست نداد؛ بنابراین، پس از مشاهده ۳ مورد داده تکراری مصاحبه متوقف شد؛ به عبارتی، نمونه به اشباع نظری رسید. نتایج حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه با ۱۹ شرکت‌کننده باقیمانده به استخراج مجموعه‌ای از مضامین نسبتاً شایع منتهی گردید. حد نصاب لازم برای تعیین شایع بودن یک مضمون نیز تکرار آن مضمون در متن مصاحبه حداقل یک سوم از شرکت‌کنندگان (بیش از ۶ نفر) بود. براساس استخراج مضامین شایع گزارش‌های نوجوانان در ارتباط با الگوی کلان روایت هویت نوجوانان پسر ایرانی می‌توان گفت که الگوی مزبور عموماً دربردارنده عناصری چون تعلق به خانواده، پایبندی به ارزش‌های دینی، احترام به اولیای الهی، تمکین والدین و اطاعت از آن‌ها است. با این حال، پس از مشورت با متخصصان ذی‌ربط (سه روانشناس و سه جامعه‌شناس) و نظرخواهی از آنان مضامین مستخرج به چند مؤلفه اساسی تقلیل داده و در قالب مدل کلان روایت خلاصه شد. مدل مفهومی کلان روایت در شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱ مدل مفروض کلان روایت نوجوانان پسر ایرانی

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، مدل مفروض کلان روایت نوجوانان پسر ایرانی از سه مؤلفه اصلی تحت عناوین تعلق به خانواده، پایبندی به ارزش‌های دینی و اطاعت از والدین تشکیل شده است.

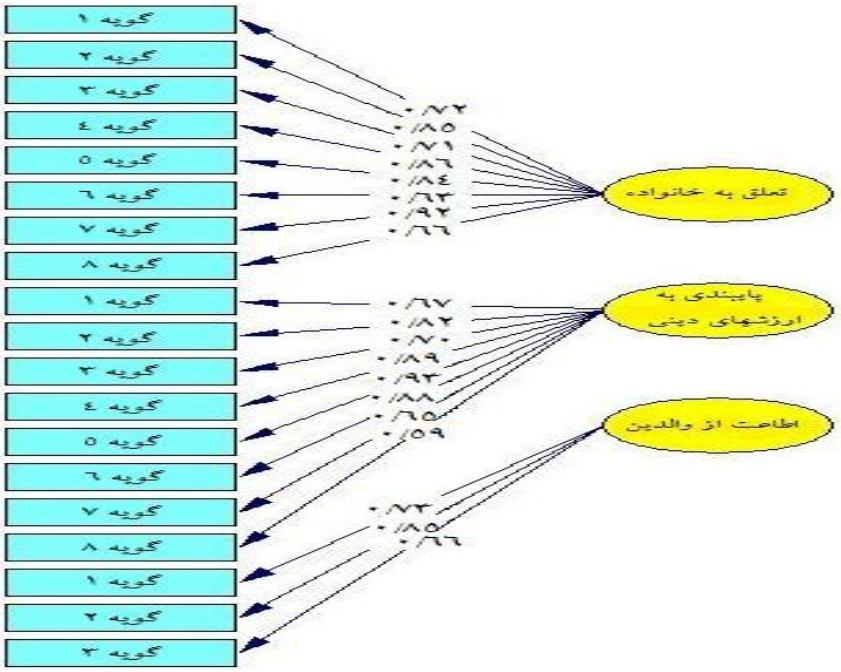
پس از تعیین اعتبار درونی الگو از طریق نظرخواهی از متخصصان و مطالعه منابع مربوطه، در مرحله بعد براساس مؤلفه‌های مستخرج و تعاریف نظری آن‌ها پرسشنامه‌ای طراحی و اجرا گردید. در بخش بعدی یعنی بخش کمی پژوهش یافته‌های حاصل از اجرای پرسشنامه در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه خواهد شد. در بخش نخست، یافته‌های مربوط به میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی متغیرهای آشکار پژوهش یعنی گویه‌های پرسشنامه نمایش داده شده است. این یافته‌ها در جدول ۱ قابل مشاهده‌اند. لازم به یادآوری است که از آنجایی که تعداد افراد نمونه برای تمامی گویه‌ها ۲۱۸ نفر بود، ستون مربوط به حجم نمونه از جدول مزبور حذف گردید. ضمناً نمره‌گذاری گویه‌های پرسشنامه به وسیله مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای انجام شده که در آن درجات بالاتر به معنای نمرات بالاتر در گویه‌ها است. در ادامه شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار گویه‌ها

متغیر	گویه	میانگین	انحراف معیار
تعلق به خانواده	۱. خودم را جزء مهمی از خانواده‌ام می‌دانم	۳/۹۱	۱/۰۷
	۲. احساس می‌کنم در خانواده‌ام درک می‌شوم	۳/۴۹	۱/۲۶
	۳. با خانواده‌ام احساس یکی بودن می‌کنم	۳/۸۵	۱/۱۳
	۴. احساس می‌کنم مورد حمایت و پشتیبانی خانواده‌ام قرار دارم	۴/۱۰	۱/۱۲
	۵. احساس می‌کنم مورد پذیرش خانواده‌ام هستم	۳/۹۵	۱/۱۳
	۶. از بودن کنار خانواده‌ام لذت می‌برم	۴/۰۶	۱/۰۰
	۷. احساس می‌کنم مورد توجه خانواده‌ام هستم	۳/۹۰	۱/۱۶
	۸. به خانواده‌ام دلبستگی و تعلق خاطر دارم	۴/۱۸	۰/۹۰
پایبندی به ارزش‌های دینی	۱. خودم را یک آدم مذهبی و متدین می‌دانم	۲/۸۴	۱/۳۹
	۲. به اصول دین اسلام اعتقاد دارم	۳/۴۹	۱/۴۵
	۳. به وجود خداوند اعتقاد دارم	۴/۶۰	۰/۹۸
	۴. به روز قیامت اعتقاد دارم	۴/۱۷	۱/۳۸
	۵. به بهشت و جهنم اعتقاد دارم	۴/۱۵	۱/۴۰
	۶. به امامان و پیامبران اعتقاد دارم	۴/۱۸	۱/۲۷
	۷. نماز می‌خوانم	۳/۰۸	۱/۵۵
	۸. در ماه رمضان روزه می‌گیرم	۳/۰۹	۱/۵۸
اطاعت از والدین	۱. در مقابل دستورات والدینم سرپیچی نمی‌کنم	۳/۸۴	۱/۰۷
	۲. هر کاری والدینم از من بخواهند، انجام خواهم داد	۳/۸۰	۱/۱۱
	۳. به قوانین تعیین شده توسط والدینم تن می‌دهم	۳/۶۵	۱/۰۸

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

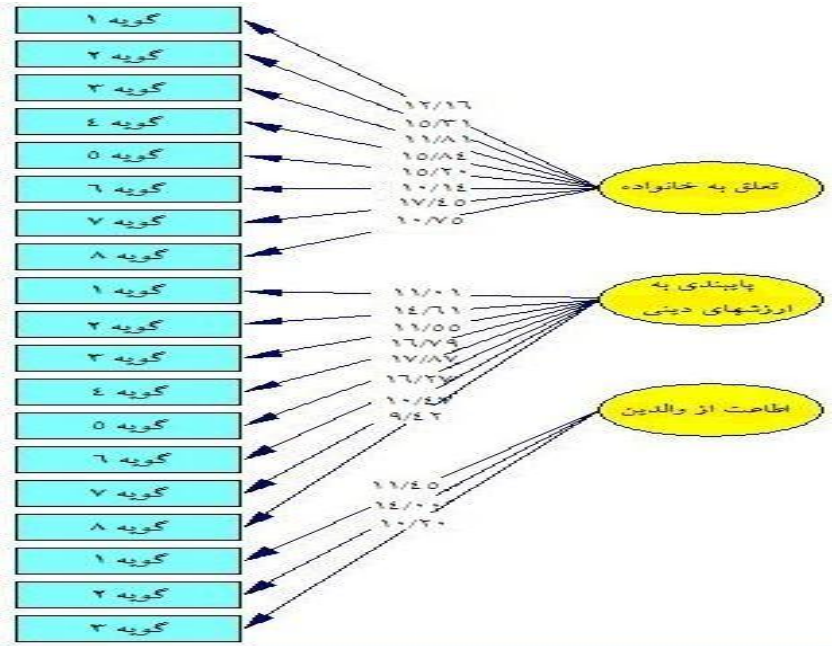
همان‌گونه که نتایج موجود در جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین تمامی متغیرهای پژوهش نسبتاً بالا است. ضمن آنکه بیشترین میانگین (۴/۶۰) مربوط به گویه «به وجود خداوند اعتقاد دارم» و کمترین میانگین (۳/۰۸ و ۳/۰۹) به ترتیب مربوط به گویه‌های «نماز می‌خوانم» و «در ماه رمضان روزه می‌گیرم» است. در این قسمت مدل مفهومی پژوهش یعنی مدل کلان روایت مورد آزمون قرار گرفت. برای آزمون مدل مزبور از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون مدل در حالت ضرایب استاندارد در شکل ۲ نمایش داده شده است.



شکل ۲ تحلیل عاملی تأییدی مدل کلان روایت در حالت تخمین ضرایب استاندارد

با توجه به نتایج شکل ۲، همه متغیرهای آشکار (گویه‌ها) همبستگی نسبتاً بالایی را با سازه مربوط به خود نشان می‌دهند. در سازه تعلق به خانواده، متغیر «احساس می‌کنم مورد توجه خانواده‌ام هستم» دارای بیشترین بار عاملی با ۰/۹۲ است که نشان می‌دهد حدود ۸۵ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تعیین می‌شود. در سازه پایبندی به ارزش‌های دینی، متغیر «به بهشت و جهنم اعتقاد دارم» دارای بیشترین بار عاملی با ۰/۹۳ است که نشان می‌دهد حدود ۸۶ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تعیین می‌شود. در سازه اطاعت از والدین، متغیر «هر کاری والدینم از من بخواهند، انجام خواهم داد» دارای بیشترین بار عاملی با ۰/۸۵ است که نشان می‌دهد حدود ۷۲ درصد از واریانس این متغیر از سوی سازه مزبور تعیین می‌شود. در مرحله بعد به منظور بررسی معناداری ضرایب استاندارد موجود در مدل، ضرایب مزبور تبدیل به مقادیر t شدند که نتایج حاصل از آن در شکل ۳ نمایش داده شده است.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]



شکل ۳ تحلیل عاملی تأییدی مدل کلان روایت در حالت معناداری

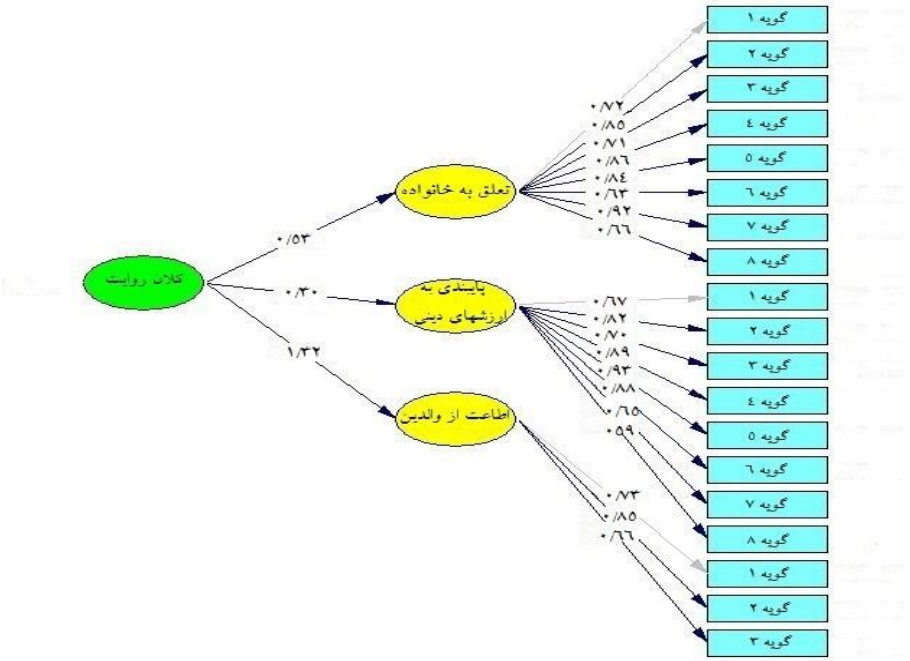
با توجه به نتایج موجود در شکل ۳، بارهای عاملی تمامی متغیرهای آشکار موجود در مدل در سطح ۰/۰۵ معنادار است و همان‌گونه که در شکل نیز مشاهده می‌شود، مقدار t همه بارهای عاملی بزرگتر از ۱/۹۶ است. در مرحله بعد برای آنکه نشان دهیم مقادیر به دست آمده تا چه حد با واقعیت‌های موجود در مدل همخوانی دارد، شاخص‌های برازش مدل را مورد بررسی قرار دادیم که نتایج آن در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲ شاخص‌های برازش مدل کلان روایت

شاخص	برآوردهای مدل	حد مجاز	نتیجه
RMSEA	۰/۰۵	کمتر از ۰/۰۸	خوب
CFI	۰/۹۲	بالاتر از ۰/۹	خوب
NFI	۰/۹۰	بالاتر از ۰/۹	خوب
IFI	۰/۹۲	بالاتر از ۰/۹	خوب

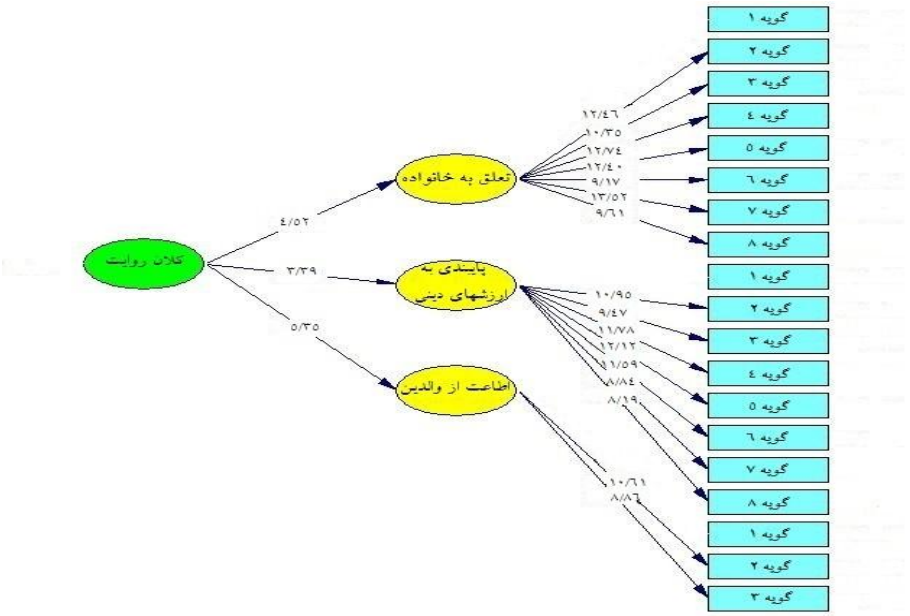
همان‌طور که شاخص‌های موجود در جدول ۲ نشان می‌دهد، داده‌های پژوهش حاضر برازش مناسبی با مدل مفروض پژوهش در خصوص کلان روایت هویت نوجوانان پسر دارد. با توجه به برازش مدل مزبور، به منظور بررسی عمیقتر آن، متغیر کلان روایت را نیز وارد مدل کرده تا بدین وسیله نسبت آن را با هر یک از مؤلفه‌هایش روشن‌تر سازیم. به همین منظور، از روش تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شد که نتایج حاصل از آن در شکل ۴ نمایش داده شده است.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]



شکل ٤ تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم مدل کلان روایت در حالت تخمین ضرایب استاندارد

با توجه به نتایج موجود در شکل ۴، از بین بارهای عاملی مرتبه دوم، «اطاعت از والدین» بیشترین بار عاملی (۱/۳۲) و «پایبندی به ارزش‌های دینی» کمترین بار عاملی (۰/۳۰) را روی سازه کلان روایت دارا می‌باشند. بار عاملی «تعلق به خانواده» نیز بر روی سازه کلان روایت **۰/۵۳** است. در مرحله بعد به منظور بررسی معناداری بارهای عاملی مزبور، همگی آن‌ها تبدیل به مقادیر t شدند که نتایج حاصل از آن در شکل ۵ نمایش داده شده است.



شکل ٥ تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم مدل کلان روایت در حالت معناداری

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

با توجه به نتایج موجود در شکل ۵، بارهای عاملی تمامی مؤلفه‌های سازه کلان روایت در سطح ۰/۰۵ معنادار است و همان‌گونه که در شکل نیز مشاهده می‌شود، مقدار t برای بارهای عاملی مرتبه دوم بزرگتر از ۱/۹۶ است.

بحث

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اعتباریابی الگوی کلان روایت هویت نوجوانان ایرانی انجام شد. یافته‌های پژوهش موجب شناسایی الگویی از کلان روایت شد که شامل مؤلفه‌هایی چون تعلق به خانواده، پایبندی به ارزش-های دینی و اطاعت از والدین بود. تحلیل جزئی‌تر نتایج نشان داد که در مدل کلان روایت به ترتیب اطاعت از والدین، تعلق به خانواده و پایبندی به ارزش‌های دینی بیشترین سهم را دارا هستند. با توجه ماهیت اکتشافی پژوهش حاضر و عدم وجود پژوهش‌های مشابه در داخل کشور امکان مقایسه و بررسی همسویی نتایج بسیار دشوار است. علاوه بر این، از آنجایی که پژوهش حاضر به شدت ماهیت بومی دارد، امکان مقایسه نتایج با پژوهش-های خارجی مشابه نیز امکان‌پذیر نیست. با همه این اوصاف، برجستگی ارزش‌های سنتی و جمع گرایانه‌ای چون اطاعت از والدین، تعلق به خانواده و پایبندی به ارزش‌های دینی در کلان روایت زندگی نوجوانان ایرانی، شایان توجه بسیار است. یافته‌ای که نشان می‌دهد با وجود رسوخ قابل توجه ارزش‌های مدرن و فردگرایانه در ساختار فرهنگی جامعه ایران به ویژه در دهه‌های اخیر، ارزش‌های سنتی کماکان نقش پررنگی در فرایند شکل-گیری روایت زندگی نوجوانان ایرانی یا به عبارتی هویت آنان ایفا می‌کنند. یافته مزبور با نتایج پژوهش مصطفی بلوردی و عبداللهی (۱۳۹۰) شباهت‌هایی نشان می‌دهد. پژوهشگران مذکور در پژوهش خود بر روی دختران نوجوان ایرانی نشان دادند که اگرچه هویت سنتی آنان دچار تحول و دگرگونی قابل توجهی شده است؛ اما کماکان هویت سنتی آن‌ها نسبت به هویت مدرنشان از قدرت بیشتری برخوردار است.

بنا به رایج‌ترین تعریف، اطاعت شکلی از نفوذ اجتماعی است که در آن فرد تسلیم دستورات یا فرامین صریح یک چهره اقتدار[1] می‌شود (کُلمن، ۲۰۰۹). از این رو می‌توان گفت که براساس یافته‌های پژوهش حاضر، نوجوانان ایرانی عموماً حرف‌شنوی از والدین و تسلیم بودن در برابر خواسته‌ها و دستورات آن‌ها را مهم پنداشته و اطاعت از والدین را عنصری ضروری در تعریف خویشتن می-دانند. منظور از تعلق داشتن به خانواده نیز احساس عضو بودن در خانواده خود از جمله احساس درک شدن، احساس باهم بودن، احساس مورد حمایت بودن، احساس پذیرفته شدن، سرگرم بودن با یکدیگر، مشارکت و مورد توجه قرار گرفتن است (لیک[2]، ۲۰۱۷)؛ لذا می‌توان گفت که براساس یافته‌های پژوهش حاضر، نوجوانان ایرانی عموماً احساس می‌کنند که مورد توجه، پذیرش و حمایت خانواده خویش قرار دارند؛ به عبارت دیگر، نوجوانان ایرانی در تعریف خویشتن همچنان بر خانواده خود تأکید دارند و عضویت در خانواده یکی از عناصر اساسی تعریف آن‌ها از هویتشان است.

نهایتاً، منظور از پایبندی به ارزش‌های دینی پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی است، به گونه‌ای که شخص دیندار خود را ملزم به رعایت و تبعیت از این مجموعه بداند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰). بر این اساس می‌توان گفت که نوجوانان ایرانی عموماً دیندار بودن را مهم پنداشته و خود را ملزم به رعایت و

[1]- Authority figure
[2]- Leake VS

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

تبعیت از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی می‌دانند؛ طوری که در تعریفشان از خویشتن، اعتقادات و ارزش-های دینی را به عنوان عنصری ضروری لحاظ می‌کنند. روی هم رفته می‌توان اذعان داشت که کلان روایت هویت نوجوانان ایرانی از ساختاری سنتی و جمع گرایانه برخوردار است و نهاد خانواده و دین سهم بسزایی در شکل‌گیری آن دارند. به زبان ساده می‌توان گفت نوجوان ایرانی در تعریف خویشتن ویژگی‌های اجتماعی و تعلقات گروهی را بر ویژگی‌های فردی مقدم می‌انگارد. وی خود را شخصی دیندار، باایمان، مطیع و تابع والدین تعریف کرده و خانواده را جزئی لاینفک از وجود خویش تلقی می‌کند؛ به عبارتی، دین، خانواده و والدین را هویت بخش به خود می‌پندارد.

نتیجه‌گیری

به عنوان یک جمع‌بندی بایستی اذعان داشت که علیرغم رشد ارزش‌های مدرن در جامعه ایران، ارزش‌های سنتی کماکان نقش پررنگی در ساختار کلان روایت هویت نوجوانان ایرانی ایفا می‌کنند. با این حال، احتمالاً بتوان تغییرات رفتاری اساسی در نسل فعلی نوجوانان ایرانی را به تضعیف ارزش‌های سنتی نسبت به نسل‌های قبل یا تضاد نسبی این ارزش‌ها با ارزش‌های مدرن و نوظهور جامعه ایران نسبت داد. محدودیت‌های پژوهش حاضر عبارت بودند از: معرف نبودن نمونه به اندازه کافی (فقط دانش‌آموز یا دانشجو بودن افراد نمونه)، عدم امکان مصاحبه حضوری به دلیل محدودیت‌های ناشی از شرایط کرونایی، حالت دفاعی برخی شرکت‌کنندگان در پاسخگویی به سؤالات مصاحبه به دلیل ماهیت خصوصی برخی از آن‌ها و کمبود پژوهش‌های مشابه به ویژه در داخل کشور که امکان مقایسه نتایج پژوهش حاضر را با پژوهش‌های مشابه دشوار ساخته بود.

سپاسگزاری

از تمامی دانش‌آموزان و دانشجویان عزیز شهر تهران و خانواده‌های گرامی ایشان که مشارکت در پژوهش حاضر را خالصانه پذیرفتند، به پاس همکاری و همراهی دلسوزانه کمال تشکر و قدردانی را داریم. همچنین، مراتب سپاسگزاری خود را به تمامی روانشناسان و جامعه شناسان بزرگواری که با ارائه نظرات ارزنده و گران‌بهایشان به ارزشمند شدن این پژوهش کمک شایانی کردند، اعلام می‌داریم. این مطالعه با کد اخلاق رساله IR.ATU.REC.1399.014 ثبت شده است.

References

Atadokht A, Hamidifar V, Mohammadi I. (2014). Pathologic use and type of mobile phone use in high school students and its relationship with academic performance and achievement motivation. School Psychology, 3(2), 122-136. (In Persian)

Azad-Armaki T, Akbari H. (2012). The understanding of the quality of the Iranian society on the basis of young generation's leisure time. Journal of Social Studies and Research in Iran, 1(2), 1-22. (In Persian)

Bamberg M. (2020). Considering counter-narratives. In M. Bamberg & M. Andrews (Eds.), considering counter-narratives: Narrating, resisting, making sense (pp. 351–371). Amsterdam, the Netherlands: John Benjamins.

Cohler BJ. (1982). Personal narrative and life course. Lifespan Development and Behavior, 4, 205-241.

Coleman W. (2009). Obedience: Still the Key to Prosperity, Revised Edition. Cross Reference Books.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]
[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]
[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]

Erikson EH. (1980). Identity and the Life Cycle. W.W. Norton & Company, New York.

Habermas T, Bluck S. (2000). Getting a life: The emergence of the life story in adolescence. Psychological Bulletin, 126(5), 748-769.

Hammack PL, Cohler BJ. (2011). Narrative, identity, and the politics of exclusion: Social change and the gay and lesbian life course. Sexuality Research & Social Policy: A Journal of the NSRC, 8(3), 162-182.

Heidarizadeh N, Farajollahi M, Ismaeili Z. (2017). Epidemiological and clinical features of social anxiety disorder in Kermanshah students: A cross-sectional study. Iranian Journal of Epidemiology, 13(1), 52-59. (In Persian)

Heshmat-Yaghmaei MT. (2001). Adolescent religiosity and the factors affecting it. Master dissertation, Allameh Tabatabai University, Tehran. (In Persian)

Leake VS. (2017). Personal, familial, and systemic factors associated with family belonging for stepfamily adolescents. Journal of Divorce & Remarriage. 47, 135-155.

Luyckx K, Schwartz SJ, Goossens L, Beyers W, Missotten L. (2019). Processes of personal identity formation and evaluation. In SJ Schwartz, K Luyckx & VL Vignoles (Eds.), Handbook of identity theory and research (p.77–98). Springer Science + Business Media.

Marzban A. (2016). Prevalence of high-risk behaviors among adolescents in Qom in 2016. Journal of Pars University of Medical Sciences (Jahrom), 16(3), 44-51. (In Persian)

Mc Adams DP, Mc Lean KC. (2013). Narrative identity. Current Directions in Psychological Science, 22(3), 233-238.

Mc Lean KC, Pasupathi M. (2019). Narrative Identity. In: Levesque R. J. R. (Eds.) Encyclopedia of Adolescence. New York, NY: Springer.

Mc Lean KC, Shucard H, Syed M. (2016). Applying the master narrative framework to gender identity development in emerging adulthood. Emerging Adulthood, 1-13.

Mc Lean KC, Syed M. (2016). Personal, master, and alternative narratives: An integrative framework for understanding identity development in context. Human Development, 58(6), 318-349.

Mostafa-Balvardi Z, Abdollahi M. (2011). Modern self-identity growth rate among adolescent girls in Tehran in 2008 (study sample: pre-university courses). Social psychological studies of women, 9(1), 143-164. (In Persian)

Safi-Al-Hosseini F, Saki M, Hamedi A, Saadati H, Lashkardust H. (2017). Prevalence of depression among female high school students in Bojnourd in 2014. Journal of North Khorasan University of Medical Sciences, 9(4), 48-42. (In Persian)

Syed M. (2015). Theoretical and methodological contributions of narrative psychology to ethnic identity research. In C.E. Santos; A.J. Umana-Taylor (Eds.), Studying ethnic identity: Methodological and conceptual approaches across disciplines (pp. 27-54). Washington, DC: APA press.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-27]

[DOR: 20.1001.1.25886657.1400.8.5.7.9]

[DOI: 10.32598/shenakht.8.5.13]